



طوفان نوح

(۲)

داستان طوفان در روایات قدیم بابلیان

قدیم‌ترین متن نوشته‌ای که تا کنون درباره‌ی داستان طوفان بدست آمده، بعضی‌الواح و کتیبه‌هایی است که از سومریان و بابلیان قدیم کشف کرده‌اند. قدمت این کتیبه‌ها به حدود سه هزار سال پیش از میلاد مسیح می‌رسد. روی این اصل، سومریان قدیم‌ترین قومی هستند که داستان طوفان را نوشته و ضبط کرده‌اند.

قهرمان طوفان، در الواح سومری، که قدیم‌تر از الواح بابلی است، بنام زیوگیدو^۱ است، ولی چنانکه خواهیم گفت نام او در کتیبه‌های بابلی اوتانا پیش‌تیم^۲ ذکر شده است. وقایع داستان طوفان سومری و بابلی با وقایع طوفان مکتوب در تورات قابل تطبیق است؛ در طوفان سومری و بابلی که تقریباً یکی است چنین آمده است که کشتی قهرمان طوفان باقی‌اندود شد و سازنده‌ی کشتی خود قهرمان طوفان است. عین همین توصیف، در سفر پیدایش تورات، باب هشتم، نیز آمده است. نیز در هر دو سند، هست که خدایان و یا خدای یهود، شخص معینی را از حدوث طوفان آگاه ساختند و او با افراد خانواده‌اش در یک کشتی نشسته و از جانوران، از هر نوع، جفتی در آن نهاده و از خطر طوفان نجات یافته‌اند.

باید باین موضوع هم اشاره شود که چگونگی داستان طوفان، در اسناد بابلی که جدیدتر از اسناد سومری است، با طوفان سومری، اندکی در ظاهر اختلاف دارد، بدین معنا که نام خدائی که به قهرمان طوفان ساختن کشتی را دستور داده، در الواح سومری آآ^۳ ولی در کتیبه‌های بابلی و آشوری ایشثار^۴ ضبط شده است. و نیز چنانکه گفته شد نام قهرمان طوفان سومری «زیوگیدو» ولی نام قهرمان بابلی و آشوری اوتانا پیش‌تیم آمده است.

اکنون، ابتدا حوادث طوفان بابلی را نقل کرده و بطوفان سومری نیز اشاره می‌نمائیم ولی پیش از نقل متن طوفان به خلاصه‌ی آن اشاره می‌کنیم:

☆ آقای دکتر یوسف فضائی از پژوهندگان معاصر

یکی از خدایان سومری بنام (آ) باعث نجات نسل بشر از خطر طوفان می‌شود. وقتی «بعل»^۵ خدای سخت دل از کثرت فساد اخلاقی انسانها در زمین و بعلت نفرتمی که نسبت به شهرشوری پک یعنی شهر خدایان ساکن زمین داشته است، بخشم می‌آمد و تصمیم می‌گیرد بوسیله‌ی ایجاد طوفان اولاً آن شهر را خراب کند و ثانیاً - بشر را محو سازد. ولی در این هنگام (آ) که خدای مهربان و طرفدار انسان بوده است، از تصمیم بعل آگاه می‌شود و با شتاب به اوتانا پیش‌تیم که در آن زمان پادشاه بابلیان و در میان مردم به نیکی معروف بوده، خبر دستور میدهد که برای نجات بشر از خطر طوفان یک کشتی بسازد و اندرون و بیرون آن را با قیر اندود کند، آنگاه با خانواده‌اش و بایک زوج از هر حیوان در آن کشتی در آیند. اوتانا پیش‌تیم دستورهای او را انجام می‌دهد و سپس طوفان مهلك آب حادث می‌شود. مدت هفت شب و هفت روز باران می‌بارد و از دریاها و چشمه‌ها آب می‌جوشد و روی زمین را فرا می‌گیرد و همه‌ی حیوانات و انسانها هلاک می‌شوند. پس از هفت روز طوفان آرام می‌یابد و روی زمین از زیر آب بیرون می‌آید. آنگاه اوتانا پیش‌تیم از روزنه‌ی کشتی به بیرون می‌نگرد و یک کبوتر به بیرون می‌فرستد. پس از آن کشتی بر قلعه‌ی کوهی می‌نشیند و سر نشینان آن در سرزمین بابل (بین النهرین - عراق کنونی) از کشتی پیاده می‌شوند و دوباره زندگی را شروع می‌کنند.

از فرزندان آنان سومریان و بابلیان و اقوام دیگر بوجود می‌آیند. شاهان سومری بطور مستقیم از اولاد اوتانا پیش‌تیم و زیوگیدو بوجود می‌آیند؟

ملاقات گیل گمش با اوتانا پیش‌تیم

در ضمن داستان حماسی قهرمان معروف قوم سومر و بابل یعنی «گیل گمش»^۷ که در حدود دوهزار و پانصد سال پیش از میلاد مسیح در الواح سومری نوشته شده است،^۸ اشاراتی به داستان طوفان سومری و بابلی دیده می‌شود و در آن داستان چنین آمده است که میان گیل گمش و اوتانا پیش‌تیم ملاقات و دیداری رخ داده و گیل گمش شرح چگونگی حوادث طوفان را از اوتانا پیش‌تیم شنیده است. اوتانا پیش‌تیم شرح ماجرا را برای او چنین تعریف نموده است: «ای گیل گمش، می‌خواهی که با توحقیقتی رادرمیان گذارم؟ می‌خواهی از رازهای خدایان برای توحکایت کنم؟ ... نمی‌خواهی بدانی که شوری پک شهری است کهن و خدایان نسبت بدان شهر نظر خوبی دارند تا آنکه سرانجام مهر از آن شهر بریدند و بر آن شدند که طوفانی سهمگین ایجاد کنند ... پس (آ) که در مجلس کنکاش خدایان برای ایجاد طوفان حاضر بود به اهالی شهرشوری پک بخصوص به اوتانا پیش‌تیم گفت: از چوب خانه‌ای بساز و آن را بالای یک کشتی بگذار پس از آن از هر گونه نطفه‌ای در کشتی بگذار و برای آن کشتی طاقی بساز ...»

اوتانا پیش تیم به گیل گمش می گوید: چوب و قیر جمع کردم تا کار کشتی پرداخته شد از خواسته‌ها و داشته‌ها هر آنچه داشتم به کشتی بردم از همدی نطفدی جانوران به کشتی بردم ، همدی خویشان خود و چهارپایان را به کشتی بردم ... پس از آن ، زمان طوفان فرا رسید بارشی هولناک بارید... ابرهای سیاه پدید آمد بادهای سخت وزیدن گرفت آبها تاسر کوهها بر آمد ، بطوری که خدایان نیز از هول طوفان بهراس افتادند و گریختند... مدت شش روز و شش شب همچنان باران می بارید و جویبارها می جوشید. در روز هفتم طوفان رو به آرامی نهاد و باز ایستاد. من به هوا نگاه کردم ، آرامی در هوا پدید آمده بود. همدی آدمیان به گل نشستند بودند. روی زمین به ویرانه مبدل شده بود ... من دریچدی کشتی را گشودم و بر زمین افتادم و کشتی بر کوه نیس سیر نشست ... روز هفتم کبوتری را از کشتی رها کردم و اودوباره برگشت ، زیرا که جای آسایش نیافته بود. پس چنین شد که خدایان مرا ، وقتی از کشتی در آمدم ، به دور فرستادند و در دریاها منزل دادند... ای گیل گمش اکنون از خدایان کدام است که بر تو رحمت کند و تورا در جرگهی خدایان قرار دهد ، تا آن زندگی جاودانه را که در جستجوی آن هستی بیابی^۹...»

صرف نظر از ظواهر و جزئیات ، وقایع داستان طوفان سومری و بابلی ، شباهت زیادی به آن داستان در تورات دارد ، از اینرو می توان گفت منشأ روایت طوفان تورات ، روایات طوفان سومری و بابلی باشد.

داستان طوفان در روایات تورات

داستان طوفان در تورات با شرحی بیشتر نقل شده است. قوم کهن یهود برای مشخص کردن منشأ و اصل نژاد خود، مانند بعضی اقوام دیگر، قصه‌ی طوفان را در کتاب دینی خود تورات که سرگذشت اجداد و فلسفه‌ی تاریخ آن قوم در آن آمده است، نوشته و قهرمان آن را یکی از شیوخ و انبیاء قدیم خود یعنی حضرت نوح دانسته‌اند.

وقایع داستان طوفان در تورات بسیار مفصل است، بطوری که مطالب باب‌های ششم تا هشتم سفر پیدایش آن کتاب بآن اختصاص یافته است. ولی ما در اینجا خلاصه‌ی آن را نقل می‌کنیم:

«... خداوند پشیمان شد که انسان را بر زمین ساخته است و در دل خود محزون گشت و خداوند گفت انسان را که آفریده‌ام ، از روی زمین محوسازم - انسان و بهایم وحشرات و پرندگان هوارا - چون که متأسف شدم از ساختن آنها. اما نوح در نظر خداوند التفات یافت... نوح مردی عادل بود و در عصر خود کامل و باخدا راه می‌رفت ، و نوح سه پسر داشت: سام حام و یافث ، و زمین به نظر خدا فاسد شده و از ظلم پر شده بود، زیرا که تمامی بشر راه خود

رادر زمین فاسد کرده بودند، و خداوند به نوح گفت که انتهای تمام بشر بخصومت رسیده است و اینک من ایشان را بازمین هلاک خواهم کرد. پس تو برای برای خود کشتی ای از چوب بساز و حجره‌ها در کشتی بنا کن و آن را بدین ترتیب بساز که طول کشتی سیصد ذراع باشد و عرض پنجاه ذراع و ارتفاع آن سی ذراع... و در آن طبقات تحتانی و وسطی و فوقانی بساز زیرا اینک طوفان آب را بر زمین می‌آورم تا هر جسدی را که روح حیات در آن باشد زیر آسمان هلاک گردانم و هر چه بر زمین هست خواهد مرد. لکن توبه کشتی درخواهی آمد - تو و پسرانت با تو - و از جمیع حیوانات از هر ذی جسدی جفتی به کشتی درخواهی آورد تا با خویشتن زنده نگاهداری نروماده باشند... و از هر آذوقه که خورده شود بگیر و نزد خود ذخیره نما تا برای تو و آنها خوراک باشد. پس نوح چنین کرد (پایان باب ششم از سفر تکوین).

... و واقع شد بعد از هفت روز که آب طوفان بر زمین آمد. در همان روز جمیع چشمه‌های عظیم شکافته شد و روزنه‌های آسمان گشوده گشت و باران چهل روز و چهل شب بر روی زمین می‌بارید... و آب همی افزود و کشتی بر سطح آب می‌رفت و هر جسد ذی روحی که بر زمین میرفت، از پرندگان و بهایم و حیوانات و کل حشرات و خزندگان و جمیع آدمیان مردند... و آب بر روی زمین صد و پنجاه روز غلبه یافت (پایان باب هفتم از سفر پیدایش).

... و خداوند بادی بر زمین وزانید و آب ساکن گردید و چشمه‌ها و روزنه‌های آسمان بسته شد و باران از آسمان باز ایستاد، و آب رفته رفته از روی زمین برگشت... و روز هفدهم از ماه هفتم کشتی بر کوه‌های آرات قرار گرفت... پس نوح و پسران او و زنش و زنان پسرانش با وی از کشتی بیرون آمدند...

پسران نوح که از کشتی بیرون آمدند، سام و حام و یافث بودند، حام پدر کنعان [منشأ قوم کنعان] است. اینانند سه پسر نوح و از ایشان تمامی مردم جهان منشعب شدند. نوح به فلاحت زمین شروع کرد و ناکستان غرس نمود و شراب نوشید و مست شد و در خیمه خود عریان گردید، حام پدر کنعان برهنگی پدر خود را دید و دو برادر خود را از بیرون خبر داد و سام و یافث ردا را بر کتف گرفته و پس پس رفته برهنگی پدر خود را پوشانیدند. وقتی نوح از مستی بهوش آمد دریافت که پسر کهنترش او را عقیم کرده است. پس باو نفرین کرده گفت: کنعان ملعون باد... و نوح بعد از طوفان سیصد و پنجاه سال زندگی کرد، پس همدی ایام نوح نهصد و پنجاه سال بود که مرد.^۱

داستان طوفان در قرآن کریم و روایات اسلامی

داستان طوفان در سوره‌های مختلف و متعدد قرآن مجید آمده است، که در هر مورد

پندی و عبرتی دربردارد و با داستان طوفان نوح در تورات شبیه است. ولی باید دانست که شباهت میان دو چیز هیچوقت دلیل ارتباط آنها نمی‌شود، با وجود این شباهت از نظر مفهوم تفاوت‌های کلی در میان آنهاست :

اولاً ، آن داستان در تورات بسیار متصل و بصورت اطناب ممل است در صورتیکه در قرآن هم مختصر و هم درسوره‌های متعدد تکرار شده است. ثانیاً در تورات به کیفیت قصه و اسطوره بیان شده ولی در قرآن از حالت اسطوره خارج و دارای اغراض پند و عبرت و مراتب اخلاقی گشته است .

اما در روایات اسلامی و در تفاسیر قرآن و اوائل کتب تاریخی، مانند تاریخ طبری ، نظیر و شبیه بیان تورات آمده است، یعنی هم به کیفیت اسطوره و هم بطور مفصل. بهرحال اکنون ، ابتدا خلاصه‌ی آن را از قرآن و بعد از روایات اسلامی نقل می‌کنیم .

داستان طوفان در قرآن

داستان طوفان و حوادث آن در قرآن ، در یکجا بیان نشده بلکه به مناسبت‌هایی در سوره‌های مختلف آمده است که نمی‌توان همه‌ی آنها را در اینجا نقل کرد ، ولی در سوره‌ی «هود» مفصلاً و کاملتر از سوره‌های دیگر است بدین بیان :

«ما نوح را برای هدایت قومش فرستادیم. او به آنان گفت : من از طرف خدا برای شما ترساننده‌ی آشکارم ... تبه‌کاران قوم باو گفتند : تو نیز مانند ما بشری ، هیچ فرق و امتیازی از ما نداری جز اینکه گروهی از فرومایگان بتو ایمان آورده‌اند و از اینرو ما تو را برتر از خودمان نمی‌شماریم ... بنوح وحی رسید که بجز کسانی که پیش از این بتو ایمان آورده‌اند، کسی دیگر ایمان نخواهد آورد ، پس ای نوح ، از آنان که بتو آزار می‌رسانند ، آزرده خاطر مباش. ای نوح ، با راهنمایی ما يك کشتی بساز و درباره‌ی ستسکاران و تبه‌کاران چیزی بامن مگو ... نوح کشتی را می‌ساخت، هر کس از تبه‌کاران قوم او نزدیک وی می‌گذشت ، او را مستخره می‌کرد... تا اینکه فرمان شروع طوفان از طرف خداوند صادر شد آبهای چشمه‌های جوشان (تنو) فوران نمود و آسمان سخت بباریدن گرفت بنوح گفتیم : از هر جانوری يك جنّت در کشتی در آور ، پس از آن همدی حیوانات و آدمیان ، بجز کسانی که به همراه نوح در کشتی بودند ، هلاک شدند و خدا گفت [ای نوح] بنام خدا پر کشتی در آئید. کشتی آنان بر روی آبها روان بود. در آن هنگام نوح پسر ناصالح خود را ، که می‌خواست غرق شود ، خواند و گفت : پیا بامامه‌راه باش و از تبه‌کاران دوری کن. گفت : هرگز ، بلکه به کوه پناه می‌برم که مرا نگاهدارد. نوح گفت : امروز بجز خداوند ، پناه دهنده‌ای وجود ندارد... پس از آن ، خدا به زمین گفت : آبت را فرو ببر ، و نیز با آسمان

گفته شد: از باریدن باز ایست، آب فرورفت، طوفان پایان یافت و کشتی نوح بر کوه جودی بر نشست^{۱۱}...»

داستان طوفان در روایات اسلامی

چنانکه پیش از این گفته شد، وقایع طوفان در روایات غیر قرآنی اسلامی، یعنی در تفاسیر قرآن و کتب تاریخی، با وقایع طوفان در قرآن فرق دارد، هم با شرحی بیشتر و هم بصورت اسطوره و قصه‌ی محض بیان شده است. از اینرو می‌توان گفت منشأ وقایع طوفان در آن روایات، همان روایات تورات باشد، که بوسیله یهودیانی که با اسلام درآمده بودند و یا در حوزه‌ی فرهنگی اسلام زندگی می‌کردند، در قرون اولیه‌ی اسلامی، در احادیث و در کتب تاریخی نفوذ کرده است. همه‌ی مورخان و راویان اخبار و احادیث اسلامی، بمناسبت مقام، وقایع داستان طوفان نوح را در نوشته‌های خود نقل نموده‌اند، بخصوص در تفسیر های قرآن در ذیل آیات مربوط به طوفان نوح، وقایع طوفان به شیوه تورات نقل شده است. از میان مورخان قرون اولیه اسلامی، که قصه‌ها را با وقایع تاریخی آمیخته‌اند، ظهیری بیشتر از دیگران، روایات طوفان را بتفصیل یاد کرده است، از اینرو وقایع طوفان، از روایات تاریخ طبری نقل می‌شود.

ظہیری در مجلد اول «تاریخ الامم و الرسل» از صفحه ۱۸۴ تا ۲۰۰ را به ذکر روایات مربوط به طوفان نوح اختصاص داده است که خلاصه آن را به فارسی ترجمه می‌کنیم:

«... قوم نوح مرتکب کارهایی می‌شدند که خدا آنها را زشت شمرده است، مانند فحشاء و شرابخواری و اشتغال به کارهای لهو... ابن عباس گفته است: خداوند نوح را، که مدت چهارصد و هشتاد سال از عمرش گذشته بود، برای هدایت آن قوم مأمور کرد. نوح آنان را مدت صد و بیست سال به دین پاک دعوت کرد... او در شصت سالگی بر کشتی طوفان سوار شد و پس از طوفان هم سیصد و پنجاه سال زندگی کرد و مجموعاً نهصد و پنجاه سال زندگی کرد^{۱۲}... وقتی نوح از هدایت قوم مأیوس شد، از خدا خواست که برای نابودی آنها بلائی نازل کند... خدا بنوح دستور داد درختی بکارد و آنرا پرورش دهد و بزرگ کند و از آن درخت یک کشتی بسازد. نوح مدت چهل سال آن درخت را پرورش داد تا بزرگ شد و چوب آن را برای ساختن کشتی آماده نمود. او به راهنمایی خدا از آن چوبها کشتی را می‌ساخت. مردم که از نزدیک نوح عبور می‌کردند و می‌دیدند که در وسط بیابان خشک کشتی می‌سازد، او را مسخره می‌کردند و می‌گفتند: نوح می‌خواهد روی امواج شنهای بیابان کشتی براند^{۱۳}...»

نوح کشتی را ساخت بنا بر روایتی، طسول آن سیصد ذراع و عرض پنجاه ذراع

و ارتفاعش سی ذراع بود ... و در روایت دیگر، که صحیح‌تر است، روزی حضرت عیسی در بیابان از کنار قبر حام بن نوح می‌گذشت. اصحاب و حواریون از او خواستند حام را از قبر بخواند. او حام را خواند حام به حکم خدا زنده شد و از قبر بیرون آمد. حضرت عیسی از او حوادث طوفان را پرسید ... حام گفت طول کشتی هزار ذراع و عرض آن ششصد ذراع و دارای سه طبقه بود: در طبقه‌ی اول حیوانات و وحوش، در طبقه‌ی دوم انسانها و در طبقه‌ی سوم پرندگان جای داشتند^{۱۴}... وقتی نوح از ساختن کشتی فارغ شد و اندرون و بیرون آن را با قیر اندود کرد، بدستور خدا از هر حیوان جفتی در آن نهاد و پس از آن، بدستور خداوند از چشمه‌ها و جویبارها آب جوشید، و «تنور» که همان تنور «سوا» بود فوراً نمود و درهای آسمان و هم‌دی چشمه‌ها و جویبارهای زمین باز شد. در آن وقت سه پسر نوح: سام و حام و یافث و زنان آنها و شش مرد دیگر که بدنوح ایمان آورده بودند، بر کشتی سوار شدند و نوح یک پسر خود را، که ناصالح و کافر شده بود، بر کشتی سوار نکرد^{۱۵}... کشتی نوح بر آبهاروان گشت و بین کشتی نشینان و آدمیان روی زمین فاصله افتاد، هم‌دی حیوانات و آدمیان غرق شدند آب طوفان همه جا حتی قله‌های کوه‌های بلند را فرا گرفت. مدت طوفان، از آغاز تا انجام آن، شش ماه و ده روز طول کشید. پس از آن، کشتی نوح بر کوه جودی، که در سرزمین موصل بود، بر نشست و در روز عاشورا، یعنی دهم ماه محرم، نوح با یارانش از کشتی بیرون آمدند^{۱۶}...

1. Ziogido

2. Utana Pishtim

3. (EA)

4. Eshtar

5. Ball

۶. ادوارد شی‌پرا، الواح بابل، تهران ۱۳۴۱، ترجمه علی‌اسفر حکمت ص ۱۹۳.

7. Gilgamesh

۸. آلبرماله و زول ایزاک، تاریخ ملل شرق و یونان، ج ۱، ص ۸۳.

۹. ادوارد شی‌پرا، الواح بابل ص ۱۹۳

۱۰. تورات، سفر پیدایش، بابهای ششم، هفتم، هشتم و نهم

۱۱. قرآن، سوره هود آیه ۲۵ تا ۳۴ - سوره المؤمنون، از آیه ۲۱ تا ۲۳ - سوره

اعراف از آیه ۵۸ تا ۶۴ و سوره نوح.

یا ارض ابلعی مائک و یاسماء اقلمی و غیض الماء و قفی الامر و اشوت علی الجودی که از

لحاظ بلاغت و فصاحت نمیتوان بر آن برتری یافت.

۱۲. محمد بن جریر طبری، تاریخ الامم و الرسل، چاپ بیروت ۱۹۵۵ میلادی ج ۱

ص ۱۸۵

۱۳. همان منبع، ص ۱۸۶

۱۴. همان منبع، ص ۱۸۶

۱۵. طبری، ج ۱، ص ۱۸۷

۱۶. طبری، ج ۱، ص ۱۹۰